

بازخوانی بنای موسوم به شربت‌خانه افوشته براساس وقفنامه موقوفات سید واقف^۱

نغمه اسدی چیمه^۲

نیلوفر ملک^۳

استادیار دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان

حمیدرضا چیحانی^۴

استادیار دانشکده معماری و هنر، دانشگاه کاشان

دریافت: ۲۲ اردیبهشت ۱۳۹۸
پذیرش: ۲۰ دی ۱۳۹۸
(صفحه ۹۱-۱۰۸)

۱. این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد نویسنده اول است که با عنوان *بازشناسی مجموعه افوشته یا تکیه بر وقفنامه و یا شواهد باقی‌مانده*، با راهنمایی علمی نگارندگان دوم و سوم در شهریورماه ۱۳۹۷ در دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه هنر اصفهان دفاع شده است.

۲. کارشناس ارشد مطالعات معماری ایران، دانشگاه هنر اصفهان
n.asadich@gmail.com
3. n.malek@au.ac.ir
۴. نویسنده مسئول
Jayhani@kashan.ac.ir

کلیدواژگان: شربت‌خانه، افوشته، چهارصفه، طنبی، وقفنامه.

چکیده

روایات و داستان‌هایی که از سوی عوام برای برخی آثار معماری نقل می‌شود، می‌تواند منبعی برای شناخت یک اثر باشد. ولی در مواردی این باورها و افسانه‌ها چنان نزد پژوهشگران پذیرفته می‌شود که، بدون تشکیک و به چالش کشیدن، آن‌ها را پیش‌فرض پژوهش خود در نظر و به کار می‌گیرند. نمونه‌ای از این باورها که به کتب و مقالات نیز راه یافته است، روایاتی است که اهالی افوشته درباره بنایی در این روستا نقل کرده‌اند و بر اساس آن، بنا را «شربت‌خانه» می‌دانند. نام «شربت‌خانه» که به نظر می‌رسد برگرفته از روایتی درباره تاج‌الدین حسن حسینی یا سید واقف باشد، چنان بر این بنا نشسته است که هرگز فرض معتبر نبودن آن به ذهن متبادر نمی‌شود؛ اما با مرور تنها سند موجود از بناهای سیدحسن واقف در افوشته، یعنی وقفنامه این بناها، درمی‌یابیم که این نام چندان مستند نیست؛ به بیان دیگر، چنین نامی در وقفنامه وجود ندارد. در همین سند بنای دیگری به نام چهارصفه و طنبی معرفی شده است. در سال‌های

اخیر، طی مطالعه‌ای درباره اسناد و بناهای افوشته توسط حسین اعظم‌واقفی، فرض یکی بودن این «چهارصفه» و «شربت‌خانه» بدون بررسی دقیق دلایل مطرح شده است. هدف اول در این پژوهش روشن کردن میزان درستی و قابل اثبات بودن چنین فرضی است. هرچند از آنجا که «چهارصفه» به صورت معماری و «شربت‌خانه» به کارکرد آن اشاره دارد، اثبات این فرض، «شربت‌خانه» بودن یا نبودن بنا را مشخص نمی‌کند. بنابراین هدف بعدی یافتن کارکرد بناست، نخست از طریق اعتبارسنجی نام «شربت‌خانه» برای این بنا و سپس از طریق بررسی نام‌هایی که در منابع دیگر به آن اطلاق شده است. حاصل این پژوهش که از راه مطالعه سند و کالبد و تفسیر یافته‌ها و با استفاده از روش تفسیری تاریخی صورت گرفته است، اول تأیید انطباق «چهارصفه» بر «شربت‌خانه» و دوم برگزیدن نام «چهارصفه تیموری» به جای به کار بردن نام‌های برگرفته از کارکردهای مجهول و نامعتبر است.

مقدمه

باورهای عامیانه و روایات محلی درباره نام، کارکرد، و پیشینه بناها همواره در شکل‌گیری تصورات سایرین از بنا اثر گذارده است. در برخی

موارد، این باورها، بدون اعتبارسنجی و ریشه‌یابی، دستمایه پژوهش‌هایی نیز بوده و به مجامع علمی راه یافتند، بدون آنکه در درستی یا نادرستی آن‌ها تردیدی ایجاد شود. پذیرفتن این باورها و به کار بستن آن‌ها در پژوهش‌های متعدد، با فرض صحت، علاوه بر آنکه به اشاعه امری بی‌اساس با وجهه‌ای علمی می‌انجامد، ضرورت تدقیق را نیز کم‌ترک و یا نفی می‌کند. به طوری که کمتر کسی فرضیه نادرستی مطلب را مطرح می‌کند و درصدد ریشه‌یابی موضوع برمی‌آید. نمونه این باورها در نوشته‌های علمی و پژوهش‌های تاریخ معماری بسیار است و یکی از آن‌ها باورهایی است که درباره مجموعه‌ای از ابنیه در روستای افوشته، واقع در جنوب شرقی نطنز، وجود دارد.

در این روستا مجموعه‌ای از بناهای مربوط به سده نهم هجری را می‌توان یافت که توسط تاج‌الدین حسن حسینی مشهور به سید واقف شکل گرفته و وقف شده‌اند. در این مجموعه گونه‌های متنوعی از ابنیه وجود دارد. از جمله بنای دو بقعه، مسجد جامع، حسینیه، آیانبار، حمام، سردر بنایی به نام دارالسیاده، محلی مشهور به سورگاه، و بنایی موسوم به «شربت‌خانه». همچنین از این مجموعه یک سند کتبی، به نام وقفنامه موقوفات سیدحسین واقف نیز در دست است که شرحی مختصر از ابنیه افوشته را در بر دارد و سندی دست اول برای شناخت مجموعه به حساب می‌آید.

بازخوانی این سند و تطبیق آن با وضع موجود دو مورد را روشن می‌کند: نخست آنکه کالبد مجموعه در طول سده‌ها دستخوش تغییراتی شده است. نکته دوم که موضوع این پژوهش نیز هست، آن است که نام‌های به‌کاررفته در سند برای معرفی اجزای مجموعه و بناها، نام‌هایی نیست که امروز برای معرفی بناهای آن به کار می‌رود. به طور مثال نام «شربت‌خانه» که بر بنایی در افوشته نهاده شده است، به تنها سند تاریخی موجود از مجموعه یعنی وقفنامه قابل استناد نیست و واژه «شربت‌خانه» در این سند وجود ندارد. حسین اعظم‌واقفی که وقفنامه را تصحیح و بازنویسی کرده و مطالب این سند را برای شرح ابنیه به کار گرفته، معتقد است که بنای «شربت‌خانه» همان بنای «چهارصفه»^۵ است که در وقفنامه نوشته شده است؛ هرچند دلایل وی برای یکی دانستن این دو روشن نیست، او اولین فردی است که چنین فرضی را مطرح کرده است. مسئله اول این پژوهش آن است که چنین فرضی چه اندازه می‌تواند صحیح باشد. در صورت صحت این فرض، مسئله بعدی بررسی

پرسش‌های تحقیق

۱. بر اساس وقفنامه موقوفات سیدحسین واقف، چه ویژگی‌های کالبدی و کارکردی را می‌توان برای شربت‌خانه متصور شد؟
۲. عنوان «شربت‌خانه» چه اندازه برای بنای موجود در افوشته اعتبار دارد؟
۳. چه ارتباطی میان بنای «شربت‌خانه» و «چهارصفه»ی مذکور در وقفنامه وجود دارد؟

۵. حسین اعظم‌واقفی، میراث فرهنگی نطنز، ص ۷۳.

کارکرد بنا در سده نهم است؛ چراکه واژه «چهارصفه» نماینده کالبد و شکل بنا و نام «شربت‌خانه» نماینده کارکرد آن است. بنابراین باید روشن شود که منشأ اطلاق «شربت‌خانه» به این بنا چیست و چه میزان این نام برای این بنا اعتبار دارد. از طرفی مرور منابع روشن می‌کند که حتی برخی دانشوران و نویسندگان این بنا را «شربت‌خانه» نیز ندانسته‌اند و کارکردهای دیگر و در نتیجه اسامی دیگری برای آن برگزیده و به کار برده‌اند. بنابراین هدف از این پژوهش نخست تدقیق در وقفنامه برای تطبیق بنای موسوم به «شربت‌خانه» و «چهارصفه» مذکور در سند و در وهله بعدی تلاش برای دریافتن کارکرد اصلی این بنا در سده نهم با اتکا به وقفنامه و بررسی منابع با دیدی نقادانه است.

در مرور پیشینه این موضوع، سه دسته کلی از نوشتار دیده می‌شود. دسته اول نوشتاری است که، ضمن بررسی بنای مورد نظر، برای آن نامی بهجز «شربت‌خانه» و «چهارصفه» در نظر گرفته‌اند. وقفنامه تاج‌الدین حسن حسینی اولین بار در سال ۱۳۷۹ توسط سیدحسین اعظم‌واقفی^۷ و سپس در سال ۱۳۸۸ توسط عمادالدین شیخ‌الحکمایی^۸ تصحیح شده و به چاپ رسیده است.^۹ بنابراین بررسی‌های صورت گرفته در مجموعه پیش از زمان انتشار وقفنامه، بدون در نظر گرفتن این سند است و در دسته اول می‌گنجد. اولین بررسی مجموعه بناهای افوشته در سال ۱۳۴۵ ش/م ۱۹۶۶ توسط هیئت ایزموتو انجام گرفته است. در گزارش این گروه ضمن بررسی کالبدی، بنای «شربت‌خانه» با استناد به گفته‌های افراد محلی، با نام «خانقاه» معرفی شده است.^{۱۰} حسن نراقی نیز در کتاب آثار تاریخی شهرستان‌های کاشان و نظنز که در سال ۱۳۴۸ منتشر شده است، «شربت‌خانه» را «خانقاه سید واقف» دانسته است. لیزا گلیمبک^{۱۱} و دونالد ویلبر^{۱۲} هم در کتاب معماری تیموری در ایران و توران آرای گروه ایزموتو و حسن نراقی را برای بنای «شربت‌خانه» تکرار کرده‌اند. سخن درباره «شربت‌خانه» در منابعی چون دانش‌نامه‌ها و دایرةالمعارف‌ها نیز مطالب کلی و

تکرار نظرات همین نویسندگان است.^{۱۳} دسته دوم نوشته‌هایی است که در آن‌ها با نیم‌نگاهی به وقفنامه و ذکر دلایلی مختصر، فرض یکی بودن «شربت‌خانه» و «چهارصفه» مطرح شده است. نوشته‌های حسین اعظم‌واقفی در این دسته می‌گنجد. دسته سوم شامل پژوهش‌هایی است که بدون تدقیق و ریشه‌یابی و با فرض «شربت‌خانه» بودن این بنا، بدان پرداخته‌اند. برای نمونه آرزو حسینی در مقاله‌ای، با فرض آنکه بنای موجود در افوشته یک شربت‌خانه است و بدون بررسی درستی یا نادرستی این نام، بنا را در زمره شربت‌خانه‌های مردمی قرار داده است.^{۱۴}

در پژوهش حاضر، به منظور سنجش میزان اعتبار و روایی نام‌های منتسب به «شربت‌خانه»، متن وقفنامه به‌دقت مطالعه و اطلاعات آن استخراج و شواهد کالبدی از طریق مطالعه میدانی گردآوری شده است. سپس از ابزار تفسیر برای برقراری ارتباط میان یافته‌های متنی با یافته‌های میدانی استفاده گردیده است. از آنجاکه وقفنامه باید در سیاق خود مطالعه شود تا صحیح‌ترین برداشت از آن به دست آید، به هنگام تفسیر از متون هم‌دوره با وقفنامه همچون تاریخ جدید یزد کمک گرفته شده است تا نتایج دارای اعتبار باشد. این مقاله در سه بخش تدوین شده است. بخش اول معرفی روستای افوشته به منزله بستر بناست و در ذیل آن گزارشی از وضعیت موجود بنای موسوم به «شربت‌خانه» و معماری آن عرضه می‌شود. بخش دوم شامل معرفی تنها سند در دسترس از این مجموعه است. لزوم تخصیص دو بخش از مقاله به این مطالب، اول گمنام بودن افوشته و ناشناختگی بناهای آن و دوم ناشناختگی سندی است که منبع این پژوهش به حساب می‌آید. به بیان دیگر این دو بخش، مقدمه را برای ورود به بخش سوم، که اصلی‌ترین بخش مقاله نیز هست و به تفسیر و تطبیق یافته‌ها اختصاص دارد، فراهم می‌کند.

۶. همان، ص ۱۲۵.

۷. عمادالدین شیخ‌الحکمایی، اسناد معماری ایران، ص ۳۶.

۸. دو نسخه تصحیح‌شده و وقفنامه تفاوتی با یکدیگر ندارند. در این مقاله به هنگام نقل مطالب از وقفنامه،

به نسخه قدیمی‌تر یعنی تصحیح اعظم‌واقفی ارجاع داده می‌شود.

۹. ISMEO, *Monuments Historiques d'Afouchte, de Natanz et de Tajabad*, p. 6.

۱۰. Lisa Golombek

۱۱. Donald Wilber

۱۲. نک: کاظم ملازاده، دایرةالمعارف

بناهای دوره اسلامی، ملارس و

بناهای مذهبی.

۱۳. آرزو حسینی، «شربت و

شربت‌خانه در گذر زمان».

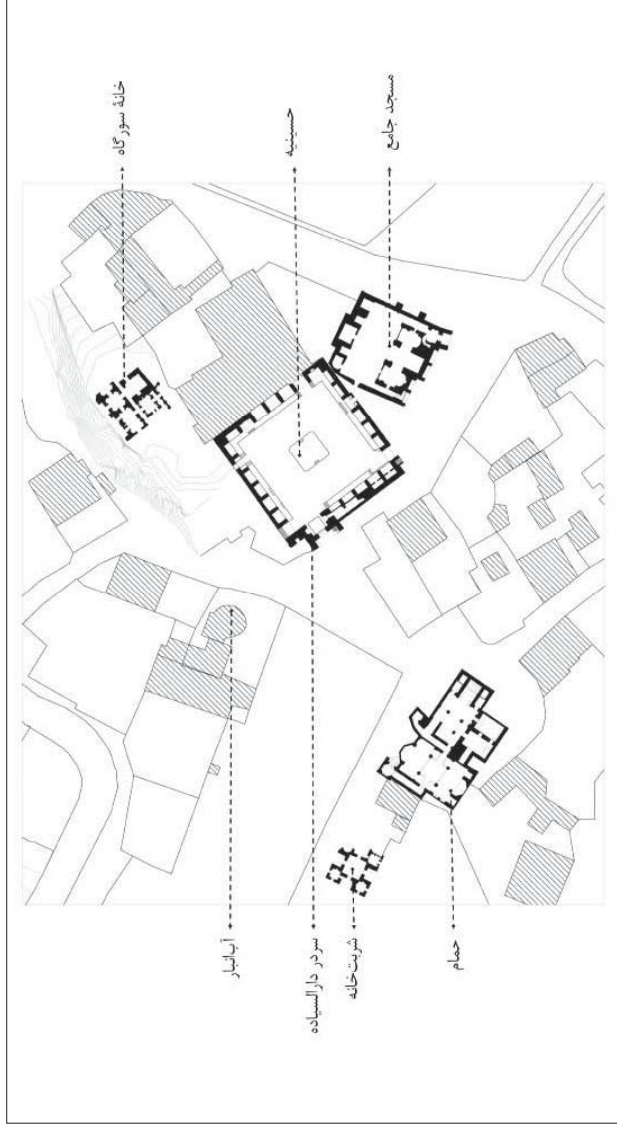
اطراف خود همچون کاشان، بادرود، اردستان، برخوار، و میمه از حیث اقلیم تفاوت‌های آشکار دارد. رودخانه‌های منشعب از کوهستان کرکس در غرب شهرستان نطنز، که به سمت کویر بادرود در شرق آن سرازیر می‌شوند، علاوه بر سیراب کردن شهر و ایفای نقش مؤثر در آبادانی آن، مسیر پیدایش محلات و روستاهایی نیز هستند. به طوری که در مسیر رودخانه عبوری از جنوب شرقی نطنز روستاهایی چون افوشته، سرشک، ربه، کندز، جاریان، و خفر شکل گرفته‌اند.

در میان این روستاها افوشته، به دلیل دربرداشتن مجموعه‌ای از بناها و همچنین سندی که به سده نهم هجری تعلق دارد، یکی از مهم‌ترین نقاط حاشیه نطنز است. موقوفات سیدحسن واقف در افوشته بر شهرت آن افزوده و موجب توجه به این روستا شده است. بقعه سیدحسن واقف و بقعه میرسید، به دلیل قرارگیری بر نقاط مرتفع افوشته، اولین نشانه‌هایی هستند که نظر رهگذران را به سمت این بخش از شهر جلب می‌کنند.

۱. افوشته

افوشته، که در حال حاضر بخشی از شهر نطنز است، در گذشته روستایی در حاشیه جنوب شرقی این شهر بوده و سپس به دنبال توسعه‌های بعدی شهر بدان پیوسته است. اولین منبئی، که ماهیت این منطقه را مشخص می‌کند، وقفنامه موقوفات سیدحسن واقف است که در آن افوشته به صورت «قریه طیبه افوشته از قرای مدینه نطنز از توابع دارالامان اصفهان»^{۱۴} معرفی شده است. بنابراین در سده نهم هجری افوشته روستایی بوده که از سوی کاتب وقفنامه با صفت «طیبه» معرفی شده است. شیوه معرفی موقعیت روستای افوشته در وقفنامه نشان می‌دهد که در سده‌های گذشته نیز همچون امروز درک موقعیت این روستا و شناخت آن در گرو دانستن موقعیت شهر نطنز بوده است.

شهرستان نطنز، واقع در شمال استان اصفهان و در میان کوهستان کرکس و کویر بادرود، خرداقلیمی است که با مناطق



۱۴. اعظم‌واقفی، همان، ص ۱۳۷.

ت ۱. پلان بناهای مجموعه افوشته؛ طرح و ترسیم: نغمه اسدی، بر اساس نقشه‌های موجود در پرونده ثبت آثار و نقشه پایه شهرداری نطنز.

که هنوز می‌توان شربت‌خانه را در زمره آثار ارزشمند بازمانده از سدهٔ نهم هجری دانست. در چهار وجه پیرامونی این بنا چهار ایوان و در چهار گوشهٔ آن چهار اتاق کوچک دیده می‌شود (ت ۲)؛ به طوری که همهٔ این فضاها در کنار هم یک فضای چهار گوش میانی را در بر گرفته‌اند. چهار ایوان چهار گوش با طاق رومی در چهار جبههٔ بناست که یکی از آن‌ها، که به نظر می‌رسد ایوان ورودی باشد، تخریب شده است (ت ۲: ۱). در انتهای هر ایوان دری چوبی است که آن را با فضای میانی مرتبط می‌کند. در ازارهٔ ایوان‌ها بقایایی از کاشی‌های شش‌بر و سه‌گوش دیده می‌شود که بخش عمده‌ای از آن‌ها از بین رفته و از رد به‌جامانده از کاشی‌ها می‌توان هندسهٔ آن‌ها را دریافت. باقی جداره‌های ایوان نیز پوشیده از اندود گچ است و تزیینات ویژه‌ای ندارد.

ت ۲. فضاها و جبهه‌های مختلف شربت‌خانه؛ مأخذ: ISMEO, Monuments Historiques d'Afouchte, et de Tadjabad کنترل و ترسیم مجدد نقشه و عکس‌ها: ن. اسدی.

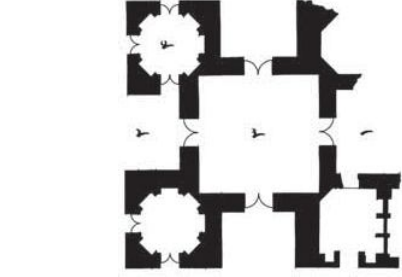
علاوه بر این دو بنا، مسجد جامع، حسینیه، حمام، سردر خانقاه، و شربت‌خانهٔ افوشته مهم‌ترین آثار به‌جامانده در این مجموعه هستند که موقعیت آن‌ها در «ت ۱» مشخص شده است.

۲. شربت‌خانهٔ افوشته

همان‌طور که در «ت ۱» مشخص است، بنای موسوم به شربت‌خانه که به باور اهالی افوشته محل تهیه و توزیع شربت توسط سیدحسین واقف در مراسم مذهبی و جین تبلیغ تشیع بوده است، در باغی در مجاورت بنای حمام افوشته قرار گرفته است.

۱.۲. وضع موجود شربت‌خانه

در ساختار بنای شربت‌خانه، که از حیث شکل کلی تداعی‌کنندهٔ کوشک‌های صفوی است، یک فضای میانی و تعدادی فضای جنبی دیده می‌شود. اگرچه کالبد شربت‌خانهٔ افوشته در اثر گذر زمان و بی‌توجهی به آن متحمل آسیب‌ها و تغییرات فراوانی شده است، هندسه و طرح فضاهای بازمانده همچون فضای میانی، ایوان‌ها، و گوشواره‌ها و تزیینات غنی این فضاها نشان می‌دهد



در سطحی بالاتر از ازاره، بر روی ملات گچی دیوار نقوش گیاهی برجسته تکرار می‌شود. گوشه‌سازی بنا نیز در نوع خود منحصر به فرد است. در گوشه‌های بنا مقرنس‌های آویز و گچ‌بری‌های برجسته، که تنگ‌بری‌های عمارت عالی‌قاو را تداعی می‌کنند، سطح چهارگوش بنا را برای قرار گرفتن پوشش سقف آماده کرده‌اند (ت ۳).

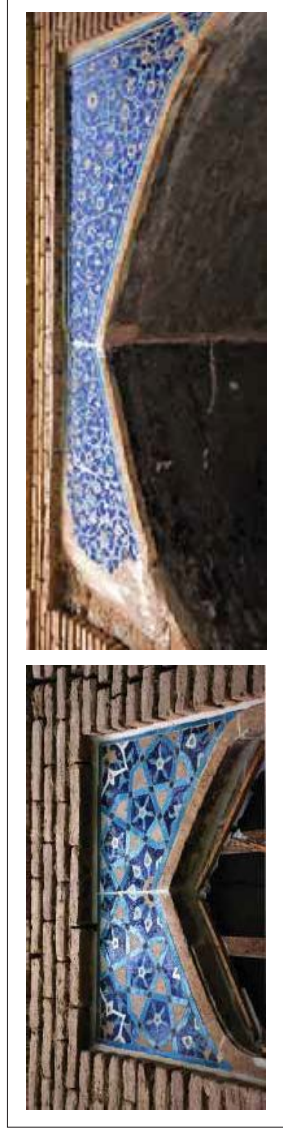
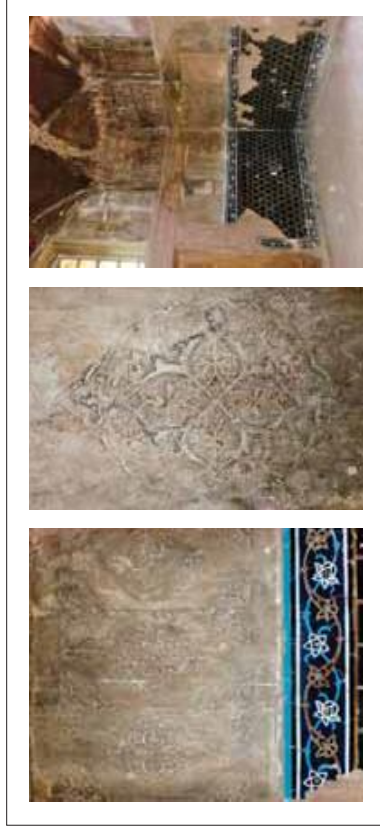
۲.۲. زمان و بانی ساخت شربت‌خانه

در حال حاضر بر بدنه بنا و در میان تزئینات فضای داخلی آن اثری از کتیبه و یا شاهی مبنی بر تاریخ ساخت و کارکرد بنا دیده نمی‌شود. جداره‌های خارجی بنا نیز پوشیده از آجر است و در بخش‌هایی از آن، همچون ازاره‌ها، لچکی ایوان‌ها، و پشت‌بغل قوس روزه‌ها، قطعاتی از کاشی معرق دیده می‌شود که طرح‌هایی از گره‌ها و نقوشی از گل و بته دارند (ت ۴). اعظم‌واقفی قطعه کتیبه‌ای را، که در حال حاضر در هشتی حمام افوشه نصب شده، متعلق به بنای شربت‌خانه می‌داند و معتقد است که، پیش از این، کتیبه در محل ورودی آن نصب بوده است.^{۱۵} (ت ۵). شباهت و اشتراک رنگ زمینه کاشی کتیبه و نقوش روی آن با کاشی‌های به‌جامانده در بدنه شربت‌خانه می‌تواند تأییدی بر گفته وی باشد. از جمله خطوط تزئینی دایره‌ای مارپیچی فیروزه‌ای‌رنگ در زمینه کتیبه و لچکی‌های ایوان‌ها نشان می‌دهد که کتیبه با لچکی‌ها قرابت دارد و می‌بایست به بنای شربت‌خانه تعلق داشته باشد. در این صورت با توجه به متن کتیبه، می‌توان بنا را متعلق به فردی

این فضا یک ردیف کاشی با نقش گل و بته باقی مانده و از تزئینات متن ازاره ردی بر ملات بر جای مانده است؛ این رد نشان می‌دهد که این ازاره‌ها نیز از ترکیب کاشی‌های شش‌بر و سه‌گوش پوشیده شده بوده‌اند و یک کاشی نسبتاً بزرگ با طرح گل‌دان نیز در میان ازاره قرار داشته است. در ردیف رفها و پس‌نشستگی‌های بالای ازاره بقایایی از نقاشی‌هایی دیده می‌شود که طرح‌های گیاهی دارند و تالگوی رنگ طلایی آن‌ها با وجود آسیب‌دیدگی هنوز قابل‌رؤیت است.

فضای میانی و اصلی شربت‌خانه یک فضای چهارگوش و متقارن است. طرح و تهرنگ آن ساده و بدون پیچیدگی است، اما تزئینات در این فضا بسیار پرکار است. ازاره‌های دورتادور این فضا پوشیده از کاشی‌های یک‌دست شش‌بر با تالگویی سبزرنگ هستند که با حاشیه‌ای با طرح گل و بته احاطه شده‌اند (ت ۲: ۳).

۱۵. حسین اعظم‌واقفی، همان، ص ۲۲.



ت ۳ (بالا). تزئینات فضای داخلی شربت‌خانه، از راست: گوشه‌سازی فضای میانی، نقش گچی بر دیوار فضای میانی، نقوش گچ و کاشی در فضای میانی؛ عکس‌ها: ن. اسدی. ت ۴ (پایین). کاشی کاری پشت‌بغل روزه‌ها؛ عکس‌ها: ن. اسدی.

وظایف آنان در خانقاه و تعیین ملزومات اداره خانقاه و برگزاری مراسم در آن پرداخته است. مهم‌ترین اطلاعات قابل‌مشاهده در بخش مربوط به سهم اولاد نام فرزندان و نوادگان واقف است. در آخرین قسمت وقف‌نامه نیز مسائل مربوط به تولیت همچون نحوه تعیین متولی و میزان حق التولیه مقرر شده است. اگرچه وقف‌نامه موقوفات سیدحسن واقف یک سند معتبر و دست اول برای فهم اوضاع مجموعه ابنیه افوشته در سده نهم هجری است؛ ولی در این پژوهش تنها بخش مربوط به مستثنیات وقف، که به شرح چهارصفه‌های افوشته اختصاص دارد، بررسی و از سایر بخش‌ها نیز در جهت تفسیر بخش مزبور استفاده می‌شود.

۱۶. کاتب در وقف‌نامه خود را با جمله «العبد المنقلب الرخوی من الله التیل الامانی، ابوبکر بن احمد بن مسعود طهرانی، اصباح الله لحواله فی الابرارین» معرفی کرده است. از شرح زندگی او اطلاعات چندانی در دست نیست؛ مطابق کتاب رجال حبیب السیر ابوبکر طهرانی معاصر امیر حسن بیگ افراسیاب (۸۸۳-۸۷۱ق) بوده —>

ت ۵. کتیبه منسوب به شربت‌خانه؛ عکس: ن. اسدی.

به نام اسمعیل بن حسین بن حسن الحسینی دانست. حسن حسینی همان سیدحسن واقف است و بنابراین اسمعیل فرزندزاده و نوه اوست. تاریخ مندرج در کتیبه یعنی ۸۷۶ق این گمان را ایجاد می‌کند که بنا پس از تنظیم وقف‌نامه در سال ۸۵۷ق در افوشته ساخته شده است. به‌ویژه آنکه در این وقف‌نامه اشاره‌ای به نام شربت‌خانه نیز دیده نمی‌شود. بنابراین تعلق شربت‌خانه به مجموعه مستحدثات سیدحسن واقف با تردید روبه‌روست.

۳. وقف‌نامه موقوفات سیدحسن واقف؛ سندی برای شناخت شربت‌خانه

وقف‌نامه موقوفات سیدحسن واقف در سال ۸۵۷ق به درخواست واقف، که در متن وقف‌نامه به صورت «تاج‌الدین حسن بن امیر شرف‌الدین حسین بن شمس‌الدین محمد افوشته‌ای» معرفی شده، توسط فردی به نام ابوبکر طهرانی^{۱۶} نگاشته شده است. این وقف‌نامه شامل مقدمه، مشخصات واقف، رقبات وقف، شروط وقف، مصارف موقوفات، سهم اولاد، و تولیت است. از بخش مشخصات واقف، علاوه بر معرفی و بیان برخی ویژگی‌های بارز وی، نام پدر و نیای واقف را نیز می‌توان دریافت. بخش مربوط به رقبات موقوفات حاوی اطلاعاتی از ابنیه ساخته‌شده و موقوفات سید واقف است و در آن پس از اشاره به موضوع وقف خانه سیدحسن واقف و اطلاق نام «خانقاه حسینی» به آن، ضمن بیان مستثنیات وقف، به آن بخش از خانه که مشمول وقف نبوده و به فرزندان واقف منتقل گشته (چهارصفه‌ها) پرداخته شده است. بنای حمام و بقعه‌ای که واقف برای خود و فرزندانش بنا کرده است نیز در همین بخش معرفی شده و سپس حدود موقوفات بیان گشته است.

در ضمن شروط وقف، واقف برای استفاده‌کنندگان از موقوفات، به‌ویژه مراجعان به خانقاه، شروطی را تعیین کرده و سپس در ذیل مصارف موقوفات به تعیین کارکنان و شرح



تختانی و طنبی تختانی با مطبخ دوطبقه که متصل است به همین چهارصفه از واقف مشارالیه به تملیکی شرعی انتقال یافته به ولد ارجمند او، خلف اعظم السادة، امیر شرف‌الدین حسین، و چهار صفه فوقانی یا طنبی فوقانی رفیع البناء و ایوان‌های فوقانیه و ضمام و چهارصفه که مطبخ آن است و ممر و مدخل، از او به سبط شریف او امیر کمال‌الدین اسماعیل...^{۱۷}

بر این اساس واقف خانه خود را، که پس از وقف «خانقاه» نام گرفته، باغ‌های متصل به آن و فضاهای وابسته وقف کرده است؛ به‌جز چهارصفه‌های فوقانی و تختانی و طنبی تختانی و طنبی فوقانی. تأملی در فضاهای چهارصفه و طنبی روشن می‌کند که مقصود از این دو فضا چیست و چرا واقف این فضاها را مشمول وقف نکرده است.

۱.۱.۳. چهارصفه

بر اساس لغت‌نامه دهخدا «صَفَه» به معنای ایوان مسقف است.^{۱۸} از منابع سده نهم نیز در کتاب تاریخ جدید یزد از «صفه» در معنای ایوان نام برده شده است.^{۱۹} مصداق «صفه» به این معنا را در مسجد جامع اصفهان با اطلاق نام صفه به ایوان‌ها می‌توان یافت.^{۲۰} همچنین در بنای بقعه پیربکران بر اساس کتیبه بنا، این نام به یک سکوی تونشسته اطلاق شده است (ت ۶).^{۲۱}

همنشینی واژه «چهار» با واژه «صفه» به صورت «چهارصفه» در معنا و نمود معماری آن تغییراتی ایجاد می‌کند. به نظر می‌رسد که علاوه بر اینکه صورت بنای «چهارصفه» در گونه‌های متفاوت معماری، همچون مدارس، مساجد، خانه‌ها و کوشک‌ها با یکدیگر متفاوت است، شکل این فضا در مناطق مختلف جغرافیا و دوره‌های مختلف زمانی نیز شکلی مشترک نبوده است. به بیان دیگر این نام به صورت‌های مختلفی از فضا اطلاق می‌شده است. دهخدا «چهارصفه» را نوعی بنا دانسته که چهار در دارد.^{۲۲} گلمبک و ویلبر معتقدند که این نوع از فضا یکی از اجزای معماری تیموری بوده و کاربردهای گوناگونی داشته

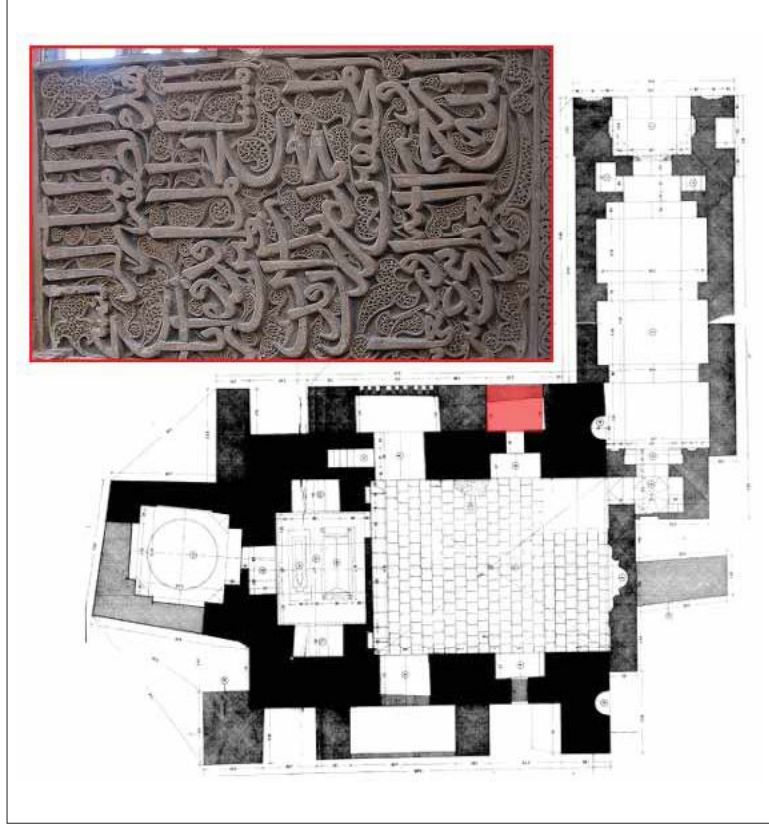
۱.۳. مستنبات وقف

اولین موقوفه سیدحسن واقف، براساس وقفنامه، خانقاه است که او برای خود ساخته و پس از وقف آن را خانقاه حسینییه نامیده است. در متن وقفنامه به صراحت تنها آن بخش از خانه را خانقاه گفته که مشمول سنت وقف شده است؛ چراکه واقف بخش‌هایی از خانه را برای انتقال به فرزندان خود از وقف مستثنی و آن‌ها را چنین توصیف کرده است:

و وقف فرمود آن خانقاه را با بساطین متصله به آن با توابع و لواحق و مضافات؛ سوای چهارصفتین فوقانی و تختانی و طنبی تختانی و طنبی فوقانی که در چهارصفه تختانی مفتوح الباب است واقع بر یمین داخلین در صحن خانقاه مذکور که چهارصفه

→ است (عبدالحسین نوایی، برجال حبیب‌السیبیر ص ۲۵۱). از وی کتابی به نام دیاربکریه نیز در دست است که وقایع سده نهم هجری در آن بیان شده است. علاوه بر کتاب دیاربکریه اسناد دیگری نیز موجود ←

ت ۶ جانمایی صفه در پلان بقعه پیربکران؛ ماخذ: پرونده ثبت اثر.

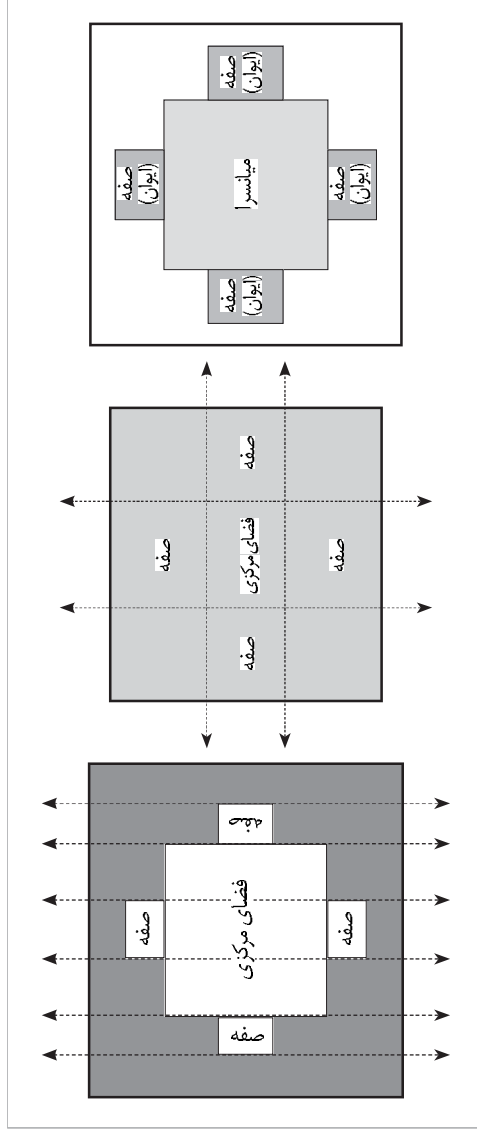


- است که توسط شخص وی
کتابت شده است. (جمله عقلمانه
صلح جهانشاه و ابوسمید تیموری،
مشهور *اوزون حسن*، و نامهای به
زبان عزی از طرف اوزون حسن به
یکی از سلاطین مصر. در کتاب دیار
بکریه به این اسناد اشاره شده است
(نوبکر طهرانی، *دیار بکریه*، ص ۱-۳۳)
۱۷. اعظم‌الافتی، همان، ص ۱۳۷.
۱۸. *تنتنامه*، ذیل «صفه».
۱۹. کاتب یزدی، همان، ص ۱۱۴.
۲۰. مقصود از این مطلب نام‌گذاری
ایوان‌های مسجد جامع اصفهان به
صورت صفه شاگرد، صفه استاد، صفه
درویش، و صفه صاحب است.
۲۱. متن کتیبه به این صورت است:
«هذه الصفه المبارکة الشیخ المشایخ
المسلمین... (آراب المحققین محمد
بن بکران قدس الله روح العزیز سنه
الثنی عشر و سعمانه».
۲۲. *تنتنامه*، ذیل «چهارصفه».

ت ۷ (بالا). گونه‌های مختلف
چهارصفه از راست: طرح
چهارایوانی، چهارصفه نه‌بخشی،
چهارصفه پنج‌بخشی؛ طرح و
ترسیم: ن. اسدی، بر اساس
اسدالله چودکی عزیززی و رسول
موسوی حاجی و رضا مهر آفرین،
ص ۷۸.
جدول ۱ (پایین). دستبندی انواع
طنبی، بر اساس کتاب تاریخ جدید
یزد، ماخذ: کاتب یزدی، صص
۸۶، ۱۰۱، ۱۲۵، و ۱۷۹.

شکل کلی‌ای که آن‌ها برای چهارصفه‌های دوره تیموری ارائه داده‌اند عبارت است از یک فضای مربع یا مستطیل که با اتاق‌های متصل به هم احاطه شده؛ به طوری که در اطراف فضای مرکزی یک سلسله اتاق‌های شاهسین به وجود آمده است، این اتاق‌ها اغلب دارای دو طبقه بوده‌اند و راه دسترسی آن‌ها دهلیزهایی بوده که در جزرها تعبیه می‌شده است. همچنین همین نام را برای اتاقی صلیبی‌شکل با چهار طاق نیز به کار برده‌اند، به طوری که بازوهای صلیب با طاق و توزیه مسقف شده باشد.^{۳۳} با بررسی پیشینه چهارصفه‌ها می‌توان این گونه معماری را در دو دسته با دو طرح کلی قرار داد: «صفه» پیرامون دسته اول گونه‌ای است که در آن چهار «صفه» پیرامون

یک میان‌سرا انتظام یافته‌اند (ت ۷). مصادیق این دسته همه بناهایی هستند که با نام چهارایوانی شناخته شده‌اند. همچنین چهارصفه‌هایی با کارکرد مسکونی همچون چهارصفه‌های زواره و خانه‌های مظفری میبد را می‌توان در این دسته قرار داد. در طرح دسته دوم، چهار «صفه» یک گنبدخانه مرکزی را احاطه کرده‌اند. به بیانی دیگر چهار صفه رو به سوی فضایی سرپوشیده و بسته دارند. در این دستبندی نوع دوم چهارصفه از دو الگو پیروی می‌کند. در الگوی اول شکل مربع به ۹ قسمت تقسیم می‌شود و مربع میانی فضای اصلی چهارصفه یا گنبدخانه آن را تشکیل می‌دهد (تصویر ۷).



انواع		مثال	ویژگی‌ها
طنبی	نوع اول	مدرسه نصریه خانه‌های دوره آل مظفر (میبد)	طنبی در پشت صفه بزرگ فضای بسته - پشت ایوان جنوبی - مجال‌ترین بخش خانه (شاهسین) - دسترسی از طریق حیاط و ایوان
	نوع دوم	عمارت دارالفتح عمارت خواجه شهاب‌الدین عمارت شمس‌الدین خضرشاه باغ ساباط قلعه مبارک	طنبی واقع در باغچه - دارای اجزایی مانند یادگیر و حوض طنبی به همراه یادگیر و پیشگاه (ایوان) و حوض - واقع در باغچه طنبی عالی به همراه یادگیر طنبی به همراه حوض و گنبد مقبره و چهارصفه بیکو طنبی مزین به کاشی

تعاریف و تصاویری که در منابع از چهارصفه‌ها عرضه شده در جزئیات متفاوت هستند؛ اما در همگی برای چهارصفه یک فضای مرکزی و تعدادی فضای جنبی در پیرامون ذکر شده که رو به فضای میانی دارند و بنابراین می‌توان چهارصفه را فضایی با این طرح کلی دانست. این طرح را می‌توان در کوشک‌ها، بینه حمام‌ها، و بخش‌هایی از مساجد دید. مطابق الگوی دوم، چهار صفه در کنار فضای میانی قرار می‌گیرند و پلانی پنج‌بخشی ایجاد می‌کنند (ت ۷). نمونه اخیر در مدرسه غیاثیه خرگرد قابل‌بازبینی است.

۳.۱.۳. طنبی

چهارصفه‌ای که در وقف‌نامه سید واقف تعریف شده است همشین فضایی دیگر به نام «طنبی» است. در لغتنامه طنبی به معنای ایوانی است که در ایوان کلان باشد و نام دیگر آن «بادغر» یا «بادغرد» گفته شده است.^{۲۵} «بادغر» در همین لغتنامه به جایی اطلاق شده که در معرض باد است و از هر طرف باد به آن می‌رسد.^{۲۶} معین نیز «طنبی» را اتاق بزرگ، تالار، و شاه‌نشین نامیده است.^{۲۷} هیچ‌یک از این تعاریف تصویر روشنی از طنبی به دست نمی‌دهد. اما در کتاب تاریخ جدید یزد (۱۳۶۲ق) واژه «طنبی» به معنای نوعی از فضا بارها تکرار شده است. در این منبع، می‌توان «طنبی» را به دو صورت یافت: نوعی از آن با صفه در ارتباط است و مطابق ذکر «مدرسه نصرتیه»^{۲۸}، در پشت صفه واقع شده است.^{۲۹} چنین ارتباطی بین صفه و طنبی در خانه‌های دوره آل مظفر مبین نیز به چشم می‌خورد. در این خانه‌ها طنبی فضای بسته‌ای است که پشت ایوان جنوبی قرار می‌گیرد و مفصل‌ترین و مجلل‌ترین فضای ساختمان خانه است که شاه‌نشین نیز تلقی می‌شود. ورود به طنبی، ابتدا از حیاط به فضای نیمه‌باز ایوان و سپس به طنبی از طریق ایوان امکان‌پذیر است.^{۳۰} در ذکر «عمارت شاه طنبی»^{۳۱} نیز طنبی فضایی در کنار صفه معرفی شده است.^{۳۲}

نوع دیگری از طنبی بر اساس متن تاریخ جدید یزد و ذکر «عمارت دارالفتح»^{۳۳} و ذکر «عمارت خواجه شهاب‌الدین قاسم»^{۳۴} و در ذکر «عمارت امیرشمس‌الدین خضر شاه»^{۳۵}، فضایی است که با باغچه یا باغ و اجزایی چون بادگیر و حوض در ارتباط است.^{۳۶} چنین فضایی به انضمام بادگیر، واژه «بادغرد» را، که پیش از این در توضیح طنبی به آن اشاره شد، یادآوری می‌کند و می‌توان تصور کرد که طنبی به این معنا فضایی برون‌گرا، تابستانی، و در معرض باد است که به صورت یک بنای منفرد در باغ یا باغچه‌ای قرار گرفته و حوض یا حوض‌هایی در مقابل دارد. در ذکر «باغ ساباط»^{۳۷} در تاریخ جدید یزد می‌توان همشینی این‌گونه از طنبی را با چهارصفه نیز یافت. به نظر می‌رسد که در طنبی نوع دوم برخلاف نوع اول و آنچه از خانه‌های مظفری مبین گفته شد، طنبی تنها در ارتباط با یک صفه نیست؛ بلکه می‌تواند بنایی مستقل و دارای صفه‌هایی تلقی شود. این نکته از خلال ذکر باغ ساباط در یزد قابل‌دریافت است.^{۳۸} و در کوشک‌های دوره‌های بعدی، به‌ویژه کوشک‌های صفوی، به چشم می‌خورد.

۳.۱.۳. چهارصفه و طنبی در مجموعه افوشته

در وقف‌نامه سید واقف نیز از «چهارصفه» و «طنبی» با هم و به صورت بنایی مجزا یاد شده است. در این وقف‌نامه تصویر و توصیفی از طرح بنای مزبور نیست؛ اما در وضع موجود بنایی در بین مجموعه ابنیه واقف هست که تا حد زیادی با تعاریف بیان‌شده از چهارصفه و طنبی همخوانی دارد. نگاهی به پلان و تصویر وضع موجود بنای موسوم به شربت‌خانه نشان می‌دهد که با بنایی کوشک‌مانند در میان باغ مواجه هستیم که چهار ایوان در چهار وجه آن به منزله چهار صفه به چشم می‌خورد. طرح بنا با تقسیم نهبخشی، که در تقسیم‌بندی چهارصفه‌ها گفته شد، مطابقت دارد. تفاوت جزئی این پلان با طرح‌های نهبخشی تعریف‌شده، در برون‌گرایی آن است؛ چراکه در الگوی نهبخشی، فضاهای جنبی متوجه فضای درونی بودند، در حالی که در این بنا

۳۳. لیزا گل‌بک و دونالد ویبر، معماری تیموری در ایران و توران، ص ۱۱۷.
 ۳۴. برای اطلاعات بیشتر نک: اسدالله جودکی عزیزی و رسول موسوی خانجی و رضا مهرآفرین، «گونشناسی الگوی چهارصفه در معماری ایرانی و سبز تحول آن»، ۲۵. لغتنامه، ذیل «طنبی».
 ۳۶. همان، ذیل «بادغر».
 ۳۷. فرهنگ فارسی، ذیل «طنبی».
 ۳۸. ذکر مدرسه نصرتیه: «صفه عالی و گنبدی وسیع تمام از خشت پخته و درگاه عالی و در خلف صفه بزرگ طنبی در غایت بی‌ظنری ساخته...».
 ۳۹. احمد بن حسین کاتب یزدی، تاریخ جدید یزد ص ۱۲۵.
 ۳۰. عیسی اسفنجاری، مینید شهری که هست، ص ۱۸۸.
 ۳۱. ذکر عمارت شاه طنبی: «و گلشن و سرای ترکان را دو طبقه کرد و طنبی عالی بر دست صفه بزرگ ساز داد».
 ۳۲. کاتب یزدی، تاریخ جدید یزد، ص ۸۰.
 ۳۳. ذکر عمارت دارالفتح: «و در باغچه وسیع طنبی و بادگیری بساخت و حوضی وسیع راست کرد...».
 ۳۴. ذکر عمارت خواجه شهاب‌الدین قاسم: «خواجه در محله برسواد خانه عالی و بادگیر و طنبی و پیشگاه و باغچه مشجر بساخت و حیاض وسیع و آب نرسواد در آن جاری کرد».
 ۳۵. ذکر عمارت امیر شمس‌الدین خضرشاه: «و خلف امیر شمس‌الدین امیر قطب‌الدین خضرشاه خانه و طنبی عالی بساخت و بادگیری رفیع برافراخت».

شهباب‌الدین قاسم» و در ذکر «عمارت امیرشمس‌الدین خضر شاه» و ذکر ساختن «قلعه مبارکه»^{۳۱} با صفات عالی، منقش، نیکو، و مزین به کاشی همراه است و در طنبی «باغ ساباط»^{۳۲} به طور ویژه به گنبد مقرنس آن اشاره شده است. از این موارد روشن می‌شود که طنبی در نزد فضایی آراسته، نفیس و ارزشمند بوده است. دقت در فضای میانی شربت‌خانه نیز این نکته را روشن می‌کند که این فضا همچون طنبی‌های بزرگ واجد ارزش فراوانی است. تزیینات عالی گچی، مقرنس در گوشه‌سازی، و کاشی‌کاری در آزارها از یک سو و ذکر نام طنبی در وقف‌نامه به صورت مجزا و تأکید بر آن این موضوع را تأیید می‌کند. بنابراین می‌توان گفت فضای میانی شربت‌خانه همان طنبی است که در سده نهم هجری جایگاه مهمی در فضاهای سکونتی داشته است.

فرض یکی بودن چهارصفه‌ها و طنبی با بنای شربت‌خانه با عبارتی در وقف‌نامه که موقعیت چهارصفه‌ها را بیان می‌کند نیز تقویت می‌شود:

«واقع بر بزمین داخلین در صحن خانقاه مذکور»^{۳۳}
 اعظم‌واقفی منظور از این عبارت را قرارگیری چهارصفه در دومین حیاط خانقاه بیان کرده است.^{۳۴} در واقع خوانش نادرست واژه «داخلین» به صورت معنی (داخلین) به این برداشت انجامیده است. درحالی که صورت صحیح خوانش این واژه، «داخلین»، یعنی صورت جمع واژه «داخل» بر وزن فاعل، اسم فاعل، و به معنی واردشونده است که نظیر آن را در همین وقف‌نامه به صورت «واردین»، «صادرین» و «مجاورین»^{۳۵} می‌توان یافت. درحقیقت واقف با این عبارت نشانی محل قرارگیری شربت‌خانه را، از دید افرادی که به صحن خانقاه وارد می‌شوند، به این صورت بیان کرده است که چهارصفه‌ها در «سمت راست واردشوندگان» قرار دارند. اگر خود را در موقعیت واردشوندگان قرار دهیم و در پشت سر در و پشت به آن بایستیم، شربت‌خانه را در سمت راست خود و کمی دورتر خواهیم یافت (ت ۸).

فضاها رو به سوی باغ پیرامونی دارند.

علت این تفاوت را می‌توان در هم‌نشینی یا ادغام این «چهارصفه» با «طنبی» که فضایی برون‌گرا و تابستانی است، یافت. به این ترتیب چهار ایوان پیرامونی باید همان «چهارصفه» و فضای میانی، که درهای آن در صفحه‌ها باز می‌شود، «طنبی» باشد. قیاس ویژگی‌های فضای میانی شربت‌خانه، با توصیفاتی که از طنبی‌های بزرگ در دست است، صحت اطلاق نام طنبی به این فضا را تأیید می‌کند. اولین وجه تشابه شربت‌خانه با طنبی‌های بزرگ، ارتباط آن‌ها با باغ و یا باغچه است و بنای شربت‌خانه در حال حاضر در باغی قرار گرفته است. وضعیت آن در سده نهم هجری را نیز جمله «... بانچه و ولد واقف اعنی امیر شرف‌الدین حسین و اختاخانه که تابع چهارصفه اوست...»^{۳۶} در وقف‌نامه روشن می‌کند. به این ترتیب که فضای اختاخانه — که در ادامه به آن پرداخته می‌شود — تابع چهارصفه امیر شرف‌الدین حسین است و این فضاها در باغچه‌ای قرار دارند. دومین وجه تشابه میان شربت‌خانه و طنبی‌های توصیف‌شده در کتاب تاریخ جدید بزرگ مرتبط بودن این فضا با عنصر آب و حوض است. در حال حاضر در پیرامون بنای شربت‌خانه حوضی به چشم نمی‌خورد، اما اعظم‌واقفی اشاره کرده است که ضمن حفاری پیرامون شربت‌خانه به هنگام تعمیر، حوضی سنگی در مقابل یکی از ایوان‌ها کشف و مجدداً مدفون شده است.^{۳۷} تفاوت آشکار این دو در نبود بادگیر در این فضا است. همچنین بسته بودن فضای میانی شربت‌خانه با در معرض باد بودن طنبی در تناقض است. علت این تفاوت‌ها را می‌توان در تفاوت اقلیم بزرگ و نظیر یافت و بنای شربت‌خانه را گونه‌ای بومی‌شده از طنبی‌های بزرگ دانست.

از طرف دیگر، اطلاق نام طنبی به فضای میانی شربت‌خانه با مرور صفاتی، که در تاریخ جدید بزرگ برای طنبی به کار رفته است، تأیید می‌شود. طنبی در متن این کتاب و در مواردی همچون ذکر «عمارت دارالفنح» و ذکر «عمارت خواجه

۳۶. نک: همان، ص ۸۷، ۸۶ و ۱۰۱.

۳۷. ذکر باغ ساباط: «صورت‌الدین

شاه یحیی در جنب آن طنبی و حوض

خانه نیکو احداث کرد و دریاچه نیکو

بساخت و شافشین و گنبد مقرنس و

چهارصفه منقش راست کرده».

۳۸. کاتب بزرگ، همان، ص ۱۳۹.

۳۹. اعظم‌واقفی، همان، ص ۱۳۸.

۴۰. همان، ص ۵۲.

۴۱. کاتب بزرگ، همان، ص ۸۶.

۴۲. همان، ص ۱۳۹.

۴۳. اعظم‌واقفی، همان، ص ۱۳۸.

۴۴. همان، ص ۵۲.

۴۵. همان، ص ۱۴۲.

کتابچه منسوب در حمام بر ورودی شربت‌خانه نصب بوده است. در متن کتابچه نام «کمال‌الدین اسماعیل» نوشته شده و با توجه به اینکه واقف چهارصفه و طبیبی تختانی را به امیر شرف‌الدین حسین و چهارصفه و طبیبی فوقانی را به امیر کمال‌الدین اسماعیل منتقل کرده است، شربت‌خانه می‌بایست همان چهارصفه فوقانی و آن دیگری که تخریب‌شده چهارصفه تختانی باشد. مشاهده بقایای بنای مزبور در حال حاضر ممکن نیست؛ زیرا هم‌اکنون در محل احتمالی آن خانه و باغی ساخته شده است و تأیید یا رد این فرض به کاوش و پیگردی در محل نیاز دارد.

اولین قرینه موجود استفاده کاتب از واژه «یمین» در عبارت «واقع بر یمن داخنین در صحن خانقاه مذکور» است که نشان می‌دهد کاتب با واژه‌های میمن جهات آشنایی داشته است. درحالی‌که او موقعیت قرارگیری چهارصفه‌ها را با عبارت «یمین داخنین» به‌خوبی روشن کرده است، بعید به نظر می‌رسد که در ذکر جهت دو چهارصفه چنین عمل کرده باشد. دومین قرینه عبارت «ربع البناء و ایوان‌های فوقانی» است که درباره چهارصفه فوقانی به کار رفته است. صفت «فوقانی» به معنای بالایی برای «ایوان» در کنار ذکر واژه «ربع» به معنای بلند نشان می‌دهد که معنای کلمه «فوقانی» در اینجا همان بالا بودن از حیث ارتفاع است. به قرینه صفت «فوقانی» برای ایوان‌ها، به معنی ایوان‌های بالایی، «چهارصفه فوقانی» را نیز می‌توان چهارصفه بالایی قلمداد کرد.

قرینه سوم در فضاهای وابسته به این چهارصفه‌ها قابل‌یازایی است. نگاهی به متن وقفنامه نشان می‌دهد که واقف به همراه این چهارصفه‌ها، برخی فضاهای وابسته به آن‌ها را نیز نام برده و به فرزند و نوه خود واگذار کرده است. در این تقسیم‌بندی مطبخ دوطبقه متصل به چهارصفه تختانی ضمیمه همین چهارصفه شده و به امیر شرف‌الدین تعلق گرفته است. چهارصفه فوقانی نیز همراه چهارصفه‌ای که مطبخ است و ممر

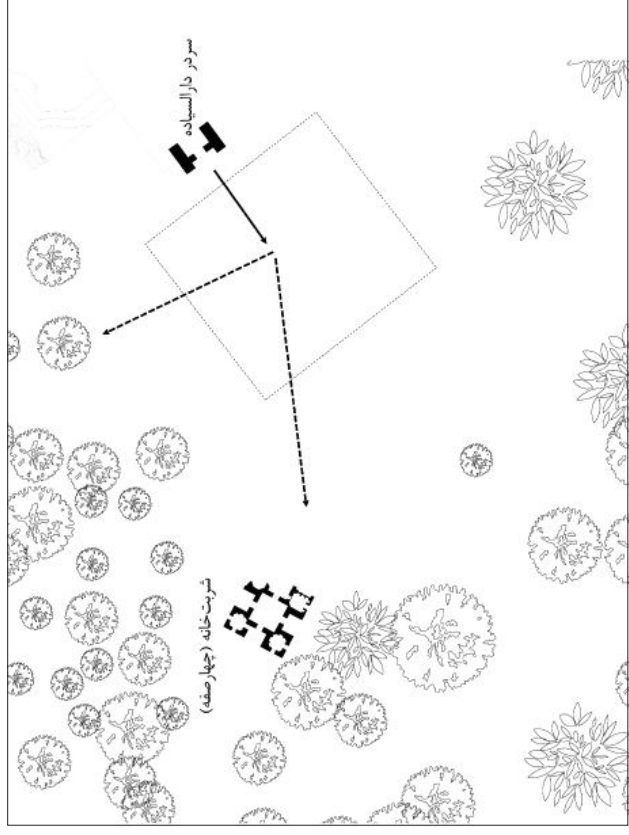
۳.۱.۴. چهارصفه و طبیبی فوقانی و تختانی

در متن وقفنامه با دو چهارصفه «فوقانی و تختانی» مواجه هستیم که هر یک طبیبی جداگانه‌ای دارند دو چهارصفه فوقانی و تختانی را می‌توان به دو صورت تصور کرد: اول دو چهارصفه در کنار هم به صورت مجزا و دوم دو چهارصفه روی یکدیگر به صورت بنایی دو طبقه.

فرض اول به این دلیل ایجاد می‌شود که اعظمواقفی در نوشته‌های خود به پی، بقایای بنا، و حوض‌هایی اشاره کرده است که مقارن شربت‌خانه و در شرق آن پیدا شده و نیز حوضی دیگر که مقابل خود بنای شربت‌خانه کشف و مدفون شده است.^{۶۶} پیدا شدن حوض و پی بنا، در شرایطی که در طرف دیگر حوض و شربت‌خانه هست، این گمان را ایجاد می‌کند که زوج بنایی متقارن در این محوطه وجود داشته و واقف از واژه‌های «فوقانی و تختانی» به معنای بالادستی و پایین‌دستی استفاده کرده است. از طرف دیگر به نظر اعظمواقفی در گذشته قطعه

۶۶. اعظمواقفی، همان، ص ۶۴.

ت ۸ موقعیت چهارصفه نسبت به سردر خانقاه؛ مأخذ: ن. اسدی بر اساس نقشه پایه شهرداری نطنز.

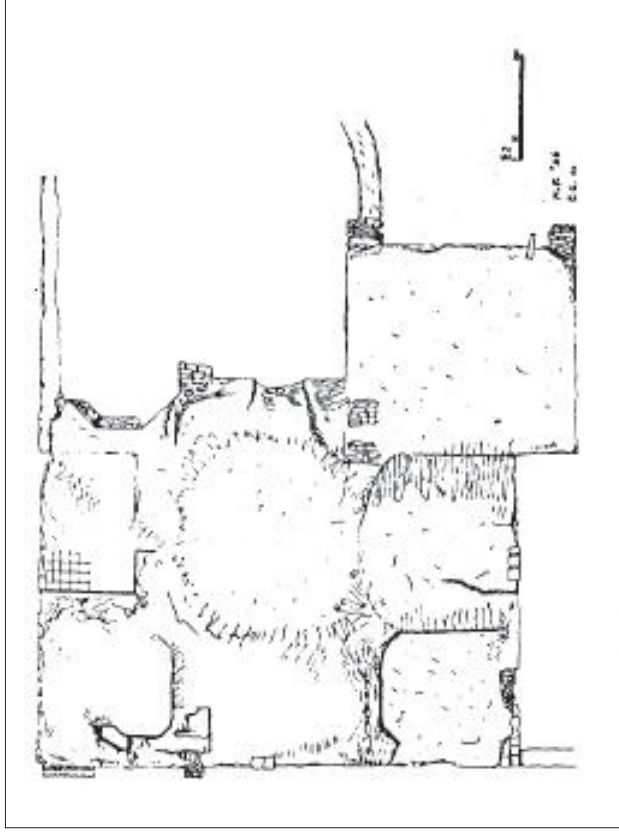


در بام شربت‌خانه فعلی پیدا شده و گروه مزبور بر این اساس بنا را دوطبقه دانسته است (ت ۱۱). پوشش سقف شربت‌خانه که به صورت رسمی تخت و خفته اجرا شده نیز نشان می‌دهد که معمار بنا بهترین و مناسب‌ترین شیوه پوشش را برای بهره‌گیری از طبقه بالایی به کار گرفته است. به این ترتیب روشن می‌شود که بنای موسوم به شربت‌خانه در سده نهم هجری و هنگام نگارش وقفنامه به «چهارصفه و طنبی» مشهور بوده است. اما این سؤال ایجاد می‌شود که چرا امروز این بنا به شربت‌خانه شهرت یافته است؟

۴. عناوین متناسب به چهارصفه تیموری افوشته

تا اینجا کالبد چهارصفه و طنبی و مصداق آن در مجموعه افوشته روشن شد. بنا بر مواردی که گفته شد، فرضی که اعظم‌واقفی درباره یکی بودن «شربت‌خانه» و «چهارصفه» مطرح کرده

ت ۹. پلان بام شربت‌خانه، مأخذ: ISMEO, *Monuments historiques d'Afouchite de Natanz et de Tadjabad*, p. 11, 14.



و مدخل به «کمال‌الدین اسماعیل» منتقل شده است. نکته مورد سؤال در اینجا آن است که چرا، با وجود دو چهارصفه و دوطنبی، از ممر (راهرو) و مدخل (ورودی) تنها یک بار یاد شده است؟ به نظر می‌رسد اگر چهارصفه‌ها دو بنای مستقل از یکدیگر بودند، نیازی به تأکید بر انتقال بخش ورودی به کمال‌الدین اسماعیل (نوه واقف) نبود؛ زیرا هر چهارصفه ورودی‌های مجزایی داشت که، به همراه بنا، به فرزند و نوه واقف انتقال می‌یافت. اما تأکید بر این نکته نشانه آن است که بنا اگرچه دو بخش مجزا داشته، دارای یک ورودی بوده و واقف تعیین مالکیت این فضا را، که فضایی مشاع و مشترک است، در وقفنامه ضروری دانسته است. در اینجا قطعه کتیبه‌ای، که به اعتقاد اعظم‌واقفی بر ورودی شربت‌خانه نصب بوده است، به کار می‌آید. نام کمال‌الدین اسماعیل بر این کتیبه نشان می‌دهد که او مالکیت خود بر فضای ورودی را با نصب کتیبه‌ای علنی و به آن تأکید کرده است.

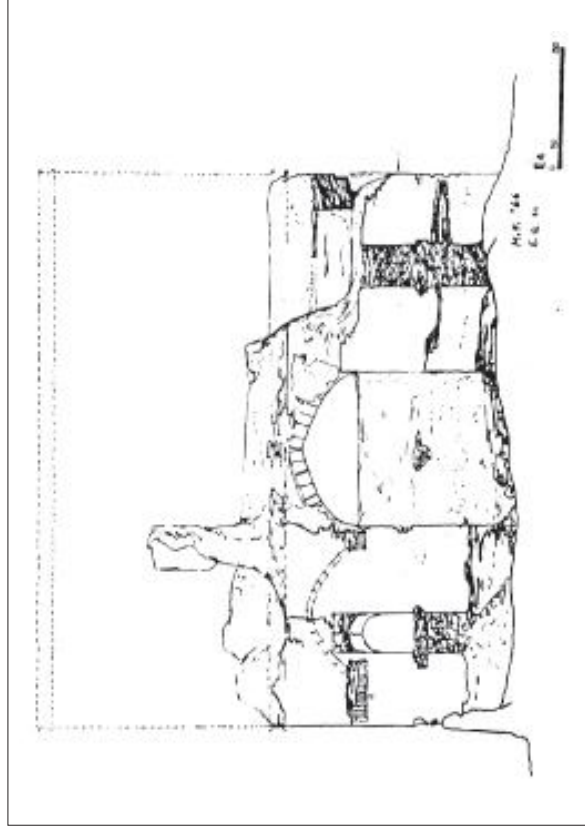
علاوه بر قرائن موجود در وقفنامه که مطبق بودن شربت‌خانه از آن‌ها استنتاج می‌شود، در کتاب تاریخ جدید یزد نمونه‌هایی از بناهای دارای طنبی می‌توان یافت که به صورت دو یا سه طبقه ساخته شده‌اند، از جمله در ذکر «عمارت شاه یحیی» و ذکر ساختن «قلعه مبارکه» که پیش از این به متن آن‌ها اشاره شد.

تا اینجا تلاش شد با اتکا به متن وقفنامه و با استمداد از کتاب تاریخ جدید یزد که حاوی وقایع هم‌زمان با احداث ابنیه افوشته است، صورت اصلی چهارصفه‌ها مشخص شود. اما هیئت ایزمئو، که در سال ۱۹۶۶م/ ۱۳۴۵ش و پیش از انتشار متن وقفنامه و مطالعات اعظم‌واقفی مجموعه ابنیه افوشته و بنای شربت‌خانه را بازدید و بررسی کرده‌اند، نیز معتقدند این بنا در گذشته دارای دو طبقه بوده است. هرچند عکس‌ها و ترسیم‌های این گروه نشان می‌دهد که در زمان بازدید ایشان نیز طبقه دوم مخروبه بوده (ت ۹ و ۱۰)، ولی در همان زمان ردی از تزیینات

است، فرضی صحیح است. کاتب به جای معرفی بنا یا استمداد از کارکرد آن، از صورت و کالبد آن استفاده کرده است. بنابراین کارکرد بنا از راه مطالعه سند مشخص نمی‌شود. سؤال این است بنا با چه اعتباری و بر چه اساسی «شربت‌خانه» خوانده می‌شود؟ از چه زمانی و به چه دلیلی این بنا «شربت‌خانه» نام گرفته است؟ جست‌وجو درباره این بنا علاوه بر نام «شربت‌خانه»، نام‌های دیگری نیز برای آن مشخص می‌کند که در ادامه هر یک از آن‌ها جداگانه بررسی می‌شود تا روشن شود کارکرد معتبر برای این بنا چیست.

۱.۴ چهار صفه یا شربت‌خانه

ذهنیت عامه بنای چهار صفه را محل توزیع شربت به افراد ضمن دعوت آن‌ها به تشیع می‌داند. باور چنین روایتی که بدون منبع و سینه‌به‌سینه نقل شده است، مشکل است و تأیید یا رد آن به بررسی و تأمل در وقف‌نامه نیاز دارد. واقف در متن وقف‌نامه به تهیه و توزیع برخی خوراکی‌ها به این صورت سفارش کرده است:



ت ۱۰. نمای شربت‌خانه؛ مأخذ: ISMEO, ibid

۴۷. اعظم‌واقفی، همان، ص ۱۴۲.
۴۸. همان جا.
۴۹. همان، ص ۱۴۳.

طیخ که آش از برای صادرین و واردین و مجاورین ترتیب نماید آش هر صباح پنج من آرد و یک من چربی و از برای صادرین و واردین و مستحقین به قدر احتیاج چنان چه لایق باشد منوط به رأی متولی.^{۳۷}

و در جایی دیگر:

ایام و لیالی متبرکه مثل عیدین و لیلة‌القدر اعنی شب بیست و هفتم رمضان و شب برات و روز دوازدهم ربیع‌الاول و روز عاشورا پانصد دینار کپکی به اطعمه لایقه صرف نماید و در شب‌های ماه رمضان هر شب پنج من برنج سفید و یک من روغن گاو و پنج من دوشاب و دو من روغن کبجد از برای حلوا و پنج من نان.^{۳۸}

آش، برنج، دوشاب، حلوا، و نان همه اغذیه‌ای است که واقف در وقف‌نامه به آن‌ها اشاره کرده است و حتی ظروف مناسب و لارم را برای پخت‌وپز و عرضه آن‌ها به این صورت وقف کرده است: و همچنین واقف مشارالیه وقف فرمود بر خانقاه مذکور سه عدد دیگ مسین جهت طیخ آش که مقرر شده، یکی بزرگ به وزن دوازده من، و یکی میانه به وزن هشت من و یکی کوچک به وزن چهار من و پانزده عدد طبق مسین به وزن هفت من و نیم و پانزده عدد طاس به وزن هفت من و نیم جهت اطعام مستحقین و مساکین که در آن خانقاه باشد.^{۳۹}

کارکرد «دیگ» که مشخص است، «طبق» نیز ظرفی شبیه سینی اما بزرگ‌تر از آن است و برای حمل غذا به کار می‌رود. «طاس» نیز پیاله‌ای است که غذا در آن صرف می‌شود. درحالی‌که واقف چنین مفصل و با جزئیات خوردنی‌ها و ظروف مناسب آن‌ها را تعیین کرده است، از قلم انداختن تهیه شربت و توزیع آن کمی دور از ذهن است. به تعبیری ممکن نیست که فعلی با عنوان تهیه و توزیع شربت در سده نهم مرسوم بوده و آن چنان جایز اهمیت باشد که بنایی برای آن پیش‌بینی و احداث شده باشد؛ اما در هنگام تنظیم وقف‌نامه از آن صرف‌نظر شده باشد. چنین موضوعی باور اختصاص داشتن فضای چهار صفه به

بنابراین واژه «اختاخانه» به نوعی با محل نگهداری اسب و ستوران هم‌معنی است. اشاره دیگری در کتاب تاریخ مبارک غازی که هم‌نشینی برخی واژه‌ها در آن بیان شده است، به طور مشخص اعلام می‌کند که «اختاخانه» کاملاً از فضای مربوط به شراب و شربت متمایز است:

وجه مصالح شرابخانه و اختاچی خانه (اختاخانه) و شتران و استران و جامگی دختران و فراشان و مطبخیان و ساربانان و خربندگان و دیگر خدم و حشم... برآوردند.^{۵۰}

در اینجا به کار بردن «اختاخانه» در کنار نام شتران و استران و سپس ساربانان و خربندگان و حتی مطبخیان، به نوعی از خدماتی بودن این فضا خبر می‌دهد. اما بنای موسوم به شربتخانه در مجموعه سید واقف آن‌چنان پوشیده از تزئینات ویژه است که هرگز گمان تلقی آن به چهارپایان نمی‌رود. بنابراین ذکر نام «شربتخانه» در ذیل واژه «اختاخانه» نادرست است.

محتمل است که در حدود سال ۱۲۸۸ق، که این رونوشت تهیه شده است، بنای چهارصفه کار در شربتخانه داشته و کاتب رونوشت تلاش کرده است تا واژه‌ای متناظر آن در وقفنامه

فضایی برای تهیه شربت در سده نهم را با تردید رویه‌رو می‌کند. مواردی که گفته شد، همه آن مطالبی است که وقفنامه برای وجود کارکردی مرتبط با شربت در سده نهم در افروخته در اختیار می‌گذارد. با این تفاسیر می‌توان دست‌کم به این نتیجه رسید که بنای «چهارصفه» در سده نهم و زمان حیات سیدحسین واقف «شربتخانه» نبوده است.

۲.۴. چهارصفه یا اختاخانه

در بین متون مربوط به مجموعه افروخته، اولین بار واژه «شربتخانه» در نسخه رونوشت وقفنامه نوشته شده است.^{۵۱} بر اساس نوشته اعظم‌واقفی، در این رونوشت که در سال ۱۲۸۸ق تهیه شده است، کاتب، محمدجمال فرزند محمدنصر کاشی^{۵۲} را ذیل واژه «اختاخانه»، با خط ریزتری کلمه «شربتخانه» را نوشته است.^{۵۳} بررسی خط متن اصلی و تحشیه آن نشان‌دهنده صحت نظر اعظم‌واقفی است. بنابراین تحشیه متن می‌بایست به همان سال ۱۲۸۸ق بازگردد. «اختاخانه» در متن وقفنامه در ضمن تعیین حدود خانقاه به این صورت آمده است: «... باغچه ولد واقف اعنی امیر شرفالدین حسین و اختاخانه که تابع چهارصفه اوست...»^{۵۴}.

برای واژه «اختاخانه» در دایره‌المعارف‌ها معنایی ذکر نشده است. اما رد این واژه در منابع مغول قابل‌پیگیری است. در این منابع واژه «اختا» را همراه پسوند «چی» و «چی» به صورت «اختاچی» و «اختاجی» می‌توان یافت. واژه‌هایی از این دست، معمولاً گویای سمتی در دربار مغول بوده‌اند. در تاریخ الجایتو (۱۷۱۸ق) از اختاچی بارها یاد شده و افراد بسیاری با این سمت معرفی شده‌اند. در انتهای کتاب نیز ذیل معنای برخی از واژه‌ها، برای «اختاچی» معنی میرآخور و طولیله‌دار آمده است.^{۵۵}

در کتاب سمط العلی للحضره العلیا (۱۷۱۵ق) نیز، که تاریخ قراختاییان کرمان و تألیف ناصرالدین منشی کرمانی است، کلمه «اختا» حیوان خصی شده، به‌ویژه اسب، معنی شده است.^{۵۶}

۵۰. اصل این سند در دست نیست و با استناد به نوشته‌های اعظم‌واقفی، درباره آن، مطالبی در این پژوهش آورده شده است (برای اطلاعات بیشتر نکه: حسین اعظم‌واقفی، همان، ص ۷۱).

۵۱. اعظم‌واقفی، همان، ص ۱۶۳.

۵۲. همان جا.

۵۳. همان، ص ۱۳۸.

۵۴. عبدالله بن علی القاشانی، تاریخ الجایتو، ص ۲۵۳.

۵۵. ناصرالدین منشی کرمانی، سمط العلی للحضره، العلیا (تاریخ کرمان)، ص ۷۰.

ت ۱۱. بقایای تزئینات ازاره طلیقه دوم شربتخانه؛ مأخذ: ISMEO, ibid, p. 9.



و چهار ایوان محوری و چهار اطاق در زوایا.^{۵۸}

بر این اساس گلمبک و ویلبر، همچون گروه ایزمئو، نامی از «شربت‌خانه» نبرده‌اند؛ اما هر دو این بنا را همان خانقاه سید واقف تلقی کرده‌اند. نامی که ایشان برای این بنا برگزیده‌اند به قرینه اشاراتی در وقف‌نامه نادرست است، از جمله اشاراتی که واقف حین نام‌گذاری بنا به نام «خانقاه» کرده است. خانه پس از وقف و طی تنظیم وقف‌نامه، «خانقاه» نامیده شده و پیش از آن شاهدهی مبنی بر شهرت آن به «خانقاه» وجود ندارد. بنابراین، نام‌گذاری یادشده نشان می‌دهد که نام خانقاه تنها به بخش‌هایی از خانه اطلاق شده است که مشمول وقف شده باشند؛ اما همان‌طور که در وقف‌نامه تأکید شده است، واقف بخش‌هایی را از وقف مستثنی کرده و «چهارصفه»^{۵۹}ی که در گزارش ایزمئو و نوشته‌های ویلبر و گلمبک «خانقاه» نام گرفته است، درست همان بخشی است که از وقف مستثنی و به فرزندان واقف منتقل شده است. نام امیرکمال‌الدین اسماعیل نیز در کتیبه منسوب به «چهارصفه» مؤید این موضوع است و بنابراین «چهارصفه» نمی‌تواند همان «خانقاه» باشد. از طرفی عملکردهای متعددی که واقف در وقف‌نامه برای خانقاه برشمرده است، نیازمند فضای مفصلی است و در بنایی با ابعاد چهارصفه نمی‌گنجد.

۵. نتیجه‌گیری

در این پژوهش تلاش شد تا نام مصطلح برای یک بنا از طریق تأمل در کالبد آن و منابع مکتوب به چالش کشیده شود. در این مسیر، ابتدا مقدمات برای ورود به بحث اصلی، با معرفی افروشته به منزله بستر شکل‌گیری بنا، معرفی بنا از حیث کالبدی و معرفی تنها سند موجود از بناهای افروشته فراهم شد. سپس آن بخش از وقف‌نامه که موضوع تحقیق حاضر است، تحت عنوان «مستثنیات وقف» بیان شد. روشن شد که در میان ساختمانهای سیدحسین واقف، بخش‌هایی وجود داشته است که مشمول سنت وقف نشده و به فرزندان او انتقال یافته است. این فضاها

بیباید احتمال دیگر نیز این است که کاتب نسخه رونوشت معنای واژه اختاخانه را به اشتباه شربت‌خانه نوشته و از آن زمان این نام غلط بر چهارصفه‌های افروشته مانده است. به‌رحال نسخه رونوشت اولین محل بروز کلمه «شربت‌خانه» است.

۳.۴. چهارصفه یا خانقاه

در بین منابع، برخی بنای چهارصفه را همان بنای «خانقاه سیدحسین واقف» دانسته‌اند. در گزارشی که هیئت ایزمئو در سال ۱۹۶۶م/ ۱۳۴۵ش از مجموعه افروشته تهیه کرده و ترجمه‌های مختصر از آن در کتاب میراث فرهنگی نظیر به چاپ رسیده^{۶۰}، در مورد کارکرد بنای شربت‌خانه چنین نوشته شده است:

این ساختمان که در سه کیلومتری نظنز در افروشته قرار دارد بنا به اطلاعاتی که در محل کسب شده، در حدود ۵۲۵ سال قبل در زمان سلطنت شاهرخ ساخته شده علاوه بر یک راه ورودی و عبادتگاه، در این خانقاه، (بنا به گفته ساکین دهکده که بین آن‌ها روحانیونی که خود را بازماندگان سازنده این بنا می‌دانستند وجود داشتند) یک محل پذیرایی برای مسافرینی که شب از آنجا می‌گذشت‌اند وجود داشته است. با در نظر گرفتن زیبایی تزئین گچی و نقاشی‌هایی که هنوز باقی مانده باید در نظر داشت چنانچه این ساختمان حقیقتاً یک مهمانسرا بوده برای افراد ثروتمند در نظر گرفته شده بوده است.^{۶۱}

این سطور، ادعای نگارنده در مقدمه تحقیق مبنی بر نقش اهالی و باورهای ایشان را در شناخت و تصور دیگران را نشان می‌دهد. نویسنده گزارش ادعای داشته است که بر اساس گفته‌های اهالی درباره بنا اظهارنظر می‌کند. ویلبر و گلمبک نیز بر اساس گزارش ایزمئو، ذیل عنوان «خانقاه» شربت‌خانه را توصیف کرده‌اند:

این خانقاه بسیار کوچک که در منتهی‌الیه غرب روستا بیرون از آن واقع شده به حسن واقف، یکی از مقدسین محل، منسوب است و تاریخ آن فقط از روی زمینه‌های سبک‌شناسی تعیین می‌گردد. این بنا تقریباً مربع‌شکل است با یک گنبدخانه مرکزی

۵۶. رشیدالدین فضل‌الله همدانی، تاریخ مبارک غازانی، ص ۳۱۷.
۵۷. اعظم‌واقفی، همان، ص ۶۷.
58. ISMEQ, ibid.
۵۹. گلمبک و ویلبر، همان، ص ۵۰۳.

پیش از این در برخی منابع نام‌هایی چون «اختانخانه» و «خانقاه» نیز به بنا نسبت داده شده است؛ اما با تأمل در این منابع و با استفاده از متن وقفنامه و متون دیگر، مشخص شد که به طور قاطعانه می‌توان این نام‌ها را برای معرفی بنای چهارصفه مردود دانست. اگرچه نام‌هایی که در این منابع برای معرفی چهارصفه انتخاب شده‌اند، نام‌های نادرستی هستند، نکته آنکه هیچ‌یک از واژه «شربت‌خانه» هم استفاده نکرده‌اند. به‌ویژه نبود چنین نامی در گزارش ایزمئو، که بر اساس متن گزارش متکی به نظرات اهالی است، بسیار قابل تأمل است و می‌تواند این تصور را ایجاد کند که یا همه اهالی افوخته در اطلاق نام «شربت‌خانه» به «چهارصفه» هم‌نظر نیستند و یا گروه ایزمئو چنین نامی را برای بنا معتبر ندانسته و در گزارش قید نکرده است. به‌روروی، روشن است که مجهول بودن عملکردی که این بنا در سده نهم برای تحقق آن ساخته شده است، منشأ بروز چنین اختلافاتی است. به نظر می‌رسد در چنین شرایطی که کارکرد یک بنا با سؤال و شبهه مواجه و در مقابل از کالبد و صورت معماری آن اطلاعات مناسب و مستندی در دست است، معرفی بنا با استمداد از صورت و کالبد بهتر از شناساندن آن با یک کاربری مجهول است.

این پژوهش تمرینی بود برای تبیین ضرورت به چالش کشیدن دانسته‌ها و لزوم ریشه‌یابی مفاهیم، اسامی، واژگان، و اصطلاحات و تشکیک در مفروضات؛ پیش از آنکه اساس پژوهش‌های مهم‌تری قرار گیرند. باید گفت که اگرچه در مواردی همچون موضوع این پژوهش، به دلیل کمبود منابع و گذر سده‌ها، نمی‌توان واقعی‌ترین و معتبرترین اطلاعات را درباره یک بنا یافت، دست‌کم می‌توان نشان داد که آنچه پذیرفته شده و در پژوهش‌ها و حتی در معرفی بنا به سایرین به کار می‌رود ممکن است نادرست و بی‌اساس باشد و لازمه دریافت چنین مطلبی نگرستن به شنیده‌ها و نوشته‌ها با دیدی شگاکانه و نقادانه است.

با استمداد از صورت معماری و شکل بنا با نام «چهارصفه و طنبی» در وقفنامه معرفی شده‌اند؛ بدون آنکه به کارکرد آن‌ها کمتر اشاره‌ای شود.

سپس تفسیر واژه‌های «چهارصفه» و «طنبی» بر اساس لغت‌نامه‌ها و متون سده نهم به ویژه کتاب تاریخ جدید یزد صورتی از شکل آن‌ها به مقابله یک فضای معماری به دست داد که مشابهت این فضاها را با بنای «شربت‌خانه» تأیید می‌کرد؛ اما فرض یکی بودن این دو، که قبلاً مطرح شده بود، با پی بردن به مطبق بودن «شربت‌خانه» در گذشته و با دقت در تعیین موقعیت «چهارصفه»‌ها در وقفنامه تأیید شد و مشخص شد که این بنا در سده نهم، با هر کارکرد و رخدادی که در آن جریان داشته، با نام «چهارصفه» شناخته و شناسانده می‌شده است. تأیید منطبق بودن چهارصفه‌ها بر بنای شربت‌خانه، نکات دیگری را نیز درباره بنا در پی داشت. ازجمله آنکه می‌توان زمان ساخت بنا را پیش از تنظیم وقفنامه یعنی قبل از سال ۸۵۷ق دانست و تاریخ موجود در کتیبه آن (۸۷۶ق) را تاریخ اتمام تزئینات بنا فرض کرد.

در ادامه تلاش شد تا با بررسی کارکردهایی که تا کنون برای بنای «چهارصفه» بیان شده است، کارکرد اصلی آن مشخص شود. به این منظور افعال مربوط به تهیه خوراکی‌ها در وقفنامه پیگیری و مشخص شد که واقف بر اغذیه‌ای که قرار بوده در مراسم مختلف تهیه و عرضه شود، با نام بردن آن‌ها و وقف ظروف مناسب تأکید کرده؛ بدون آنکه به فعل تهیه، توزیع، و صرف شربت اشاره‌ای کند. نتیجه آنکه دست‌کم در روزگار سید واقف، این بنا کارکردی مرتبط با شربت نداشته و پیشینه این نام که برای بنای چهارصفه مرسوم شده و به پژوهش‌ها نیز راه یافته است، به سده نهم نمی‌رسد. گرچه از این مطلب نمی‌توان این موضوع را استنتاج کرد که این بنا هرگز محلی برای تهیه و عرضه شربت نبوده است. با ادامه جست‌وجو برای یافتن کارکرد بنا، مشخص شد که

منابع و مآخذ

۱۰۸ | ۹۱

اسفنجاری، عیسی، *مید شهری که هست: مجموعه پژوهش‌های تاریخ معماری و شهرسازی*، تهران: میراث فرهنگی، اداره کل امور فرهنگی، ۱۳۸۵.

اعظم‌اقتی، حسین، *میراث فرهنگی نطنز*، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۷۹.

القاشانی، عبدالله بن علی، *تاریخ الجایتو*، به اهتمام مهین همبلی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۴.

پرونده ثبت مسجد جامع افوشته در فهرست آثار ملی ایران به شماره ۱۳۶۴۵ و تاریخ ۱۵ آبان ۱۳۸۴.

پرونده ثبت حسینیه افوشته در فهرست آثار ملی ایران به شماره ۱۴۱۸۸ و تاریخ ۹ بهمن ۱۳۸۴.

پرونده ثبت حمام افوشته در فهرست آثار ملی ایران به شماره ۹۴۵ و تاریخ ۸ مهر ۱۳۵۲.

پرونده ثبت خانه سورگه افوشته در فهرست آثار ملی ایران به شماره ۹۰۵۰ و تاریخ ۱۰ خرداد ۱۳۸۲.

پرونده ثبت بقعه پیربکران در فهرست آثار ملی ایران به شماره ۶۳۴ و تاریخ ۲۵ اسفند ۱۳۴۵.

چوکی عزیزی، اسدالله و رسول موسوی حاجی و رضا مهرآفرین، «گونه‌شناسی الگوی چهارصفه در معماری ایرانی و سیر تحول آن»، در *پژوهش‌های معماری اسلامی*، ش ۵ (زمستان ۱۳۹۳)، ص ۷۲-۹۴.

حسینی، آرزو، «شربت و شربت‌خانه در گذر زمان»، در *باغ نظر*، ش ۲۵

(تابستان ۱۳۹۲)، ص ۴۹-۵۸.

رشیدالدین فضل‌الله همدانی، *تاریخ مبارک غازانی*. داستان غازان خان، به اهتمام کارل یان، تهران: پرسش، ۱۳۸۰.

شیخ‌الحکمایی، عمادالدین، *اسناد معماری ایران (نقش اول)*، تهران: فرهنگستان هنر، ۱۳۸۸.

طهرانی، ابوبکر، *دیاربکره*، به تصحیح نجاتی لوغال و فاروق سومه، تهران: کتابخانه طهوری، ۱۳۵۶.

کاتب یزدی، احمد بن حسین، *تاریخ جدید یزد*، تصحیح ایرج افشار، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۶.

لیزا گلیمیک و دونالد ویلبر، *معماری تیموری در ایران و توران*، ترجمه کرامت‌الله افسر، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور، ۱۳۷۴.

ملازاده، کاظم، *دایره‌المعارف بناهای دوره اسلامی مدارس و بناهای مذهبی*، تهران: سوره مهر، ۱۳۸۱.

منشی کرمانی، ناصرالدین، *سمط العلی للحضرة العلیا (تاریخ کرمان)*، تصحیح عباس اقبال، تهران: اساطیر، ۱۳۶۲.

نراقی، حسن، *آثار تاریخی شهرستان مای کاشان و نطنز*، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۴۸.

نوائی، عبدالحسین، *رجال حبیب‌السیور*، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۷۹.

ISMEO, *Monuments Historiques d'Afouchte, de Natanz et de Tatabad*, 1996.